

رقابت روس و انگلیس در خوزستان

برنس ملکم خان ناظم الدوله در تمام مدتی که بنمایندگی سیاسی ایران در لندن و ایتالیا و غیر آن اقامت داشت بادستگاههای دولتی و رجال مختلف ایران مکاتبه داشت، و مسوده مکاتب خود واصل مراسلات دولتی و شخصی را که باو میرسید مرتب کرده و نگاه داشته بود.

بعد از آنکه ملکم فوت شد زن او این مجموعه های مراسلات او را تقدیم کتابخانه ملی فرانسه در پاریس کرد، و همه آنها در چندین مجلد در آن کتابخانه محفوظست. دوست بزرگوار ما آقای دکتر علی اصغر مهدوی از همه این مجلدات که حاوی مبالغی اطلاعات مهم و اسناد گرانبهاست فیلمی برای خود گرفته اند و فعلاً آن را با اختیار اینجانب برای استفاده و انتشار گذاشته اند.

پیش ازین دوست عزیز من مدیر مجله یفا دو قطعه از این اسناد استنساخ و در مجله یفا منتشر کرده بودند (نامه ویکتوریا بناصرالدین شاه (ص ۲۲۹) و تشویق از مترجم سعدی (ص ۱۶۷). اینک گزارش مهم دیگری از یکی از مجلدات مذکور حاوی اخبار راجع به نیت دولت ایران بآباد کردن خوزستان و شکایت از مداخلات روس و انگلیس در امور داخله ایران.

چون بعد ازین نیز از فیلمهای آقای دکتر مهدوی قطمانی استخراج و نشر خواهد شد دیگر لازم نیست هر بار این شرح تکرار شود، و همین قدر خواهیم گفت: «از مجموعه مراسلات ملکم» .

وزارت امور خارجه مورخه ۳ ربیع الاول سنه ۱۳۰۶

جناب ناظم الدوله

فدایت شوم (۱) از سابقه این مطلب استحضار دارید که سالهاست اراده مقدسه همایونی روحنا فداء متوجه آبادی اهواز و تجدید ثروت و تمول مملکت خوزستان و ازدیاد مراد و معموریت آن سامان می باشد. چون این مسئله مشروحاً در روز نامه ایران نوشته شده است و یک نسخه آن را حالا برای شما فرستاده لازم ندیدم شرح و بسط بدهم از خواندن روز نامه مطلب بشما معلوم خواهد شد بعلاوه اعلان عمومی هم بهمه سفرای دول خارجه مقیمین دارالخلافه طهران شد که سواد آنرا هم برای آن جناب سامی فرستادم قبل از آنکه این سرکلر (۲) برای سفر فرستاده شود شارژدافر دولت روس که از این اقدامات دولت اطلاع حاصل کرده بود دو مجلس باجناب اجل اکرم امین السلطان دام اقباله ملاقات کرده مذاکراتی نموده که برای اطلاع آن جناب عالی حاصل مذاکرات هر دو مجلس را قلمی میدارد.

در مجلس اول اظهار کرده بود شنیده ایم سر کار اقدس همایون با انگلیس ها قرار و مدار کتبی داده اند و عنقریب با مضای همایونی خواهد رسید و قرار داده اند که کشتی های انگلیس داخل رود کارون بشوند و عبور و مرور کنند و این کار موافق صلاح دولت ایران نیست.

۱ - این دو کلمه را قوام الدوله بخط خود در اول نامه که بخط منشی است افزوده است.

در مجلس دوم که برای تحصیل جواب آمده بود جواب باو داده اند که سرکار اقدس همایونی خیلی تعجب از این اظهار شما فرموده و می فرمایند ابدأ قرار و مدار کتبی در هیچ باب با دولت انگلیس داده نشده است، و ابدأ همچو اختصاصی بدولت انگلیس داده نشده که کشتی های آنها مخصوصاً و بالاتراده از رود کارون عبور و مرور نمایند. دولت ایران قرارداد است در قسمت پائین رود کارون از سد اهواز الی محمره که قریب پانزده فرسخ است کشتی های بخاری تجارتنی عموم ملل علاوه بر کشتی های بادبانی که سابقاً عبور و مرور میکردند بکنند آنهم مشروط بشروطی است که در سرکلر عمومی خواهید دید و کارهایی که در عربستان می شود از قبیل ساختن سد اهواز و هدین کشتی رانی در رود کارون و امثال آن تمام از امور داخله و برای آبادی عربستان است و چون بنظام السلطنه حاکم عربستان که تازه رفته است بعضی دستورالعمل ها برای آبادی عربستان داده شده که این قسمت بزرگ حاصل خیز که بهترین قسمت های خاک ایران است لم یزرع و بایر نماند. حاکم عربستان هم بعد از ورود آنجا ملاحظات لازم نموده بعضی راپورتها فرستاده که اینها هم از جمله همانهاست و دولت ایران هر کاری را بخواهد در خاک خود بکند نباید شما حمل بغواش و قرار و مدار با دولت انگلیس بکنید، ابدأ بغواش دولت انگلیس این کار نشده است.

پس از این اظهارات شارژدافر میگوید راست است که باظهار دولت انگلیس نشده است، ولی باظهار حاکم عربستان هم که شده باشد بالاخره نفع آن عاید دولت انگلیس خواهد شد و آرزوی دولت انگلیس بعمل آمده است و دولت روس نمیتواند این را ببیند و بهتر این است این کار را ترك کنید.

جواب داده اند که اگر باین تصور باید اقدام بکاری نکرد پس چون هر کاری بشود تصور میشود که خیال یکی بعمل آمده است باید تمام کارها را بهمین خیال ترك کرد و ابدأ اقدام بهیچ نوع اسباب آبادی و ترقی نکرد و این هم غیر ممکن است. بر ما همین قدر است که شما بگوئیم و اطمینان بدهیم که این کار ابدأ باظهار دولت انگلیس نشده است و اطلاع هم نداشته است و قرار و مدار هم با او در این مسئله داده نشده است. این کار محض ترقی فلاح و زراعت و غیر ما فروشی و متاع خارج کردن و بفروش رسانیدن از عربستان و اهواز است و اگر از آمدن کشتی ها فایده ملحوظ است آن فایده را دولت ایران بعموم ملل داده است و یکی هم دولت انگلیس و یکی هم دولت روس است.

بفاصله چند روز که آن اعلان عمومی را بسفرا فرستادیم از من وقت ملاقات خواست و آمد، اظهار حیرت و تعجب از این فقره نمود که دو مجلس باجناب امین السلطان در این باب حرف زدیم قرار بود اظهارات ما را بغا کپای همایونی عرض کرده جواب بدهد. منتظر آن جواب بودیم که کافد رسمی وزارت امور خارجه رسید. من گفتم این کار اهمیتی ندارد و هیچ خیال و تصور نمیرفت که محل حرف و گفتگو بشود و کار معتابه نبوده نیست.

آنچه لازم بود از بابت عدم سنگینی این کار باو بیان کردم. خواهش کرد که بعرض خاک کپای مبارک برسانم که کشتی رانی در مردابها و رودخانهائی که از خاک دولت ها میگذرد باختیار آن دولت و منافع آن عاید رعایای آن دولت می شود مثل مرداب انزلی و سایر. و علاوه همینکه انگلیس ها حق عبور و مرور کشتی در رود کارون بهم رسانیدند طولی نمی کشد که اراضی دو طرف نهر را بهر وسیله و بهانه باشد تصرف خواهند کرد. چون دولت روس در

حفظ منافع ایران نهایت اهتمام را دارد این است که لابد این بیانات را مینمائیم و نیز اظهار کرد که چون باولیای دولت خودم هنوز نرسانده‌ام و مأموریت و دستورالعملی ندارم شرفیابی خاکبای مبارک را استدعا نکرده‌ام دور نیست مرام‌آمو را نمایند که شرفیاب شده بعضی عریض لازمه را در این باب بکنم .

این اظهارات شارژدافر روس را من بعرض خاکبای همایون روحانفاده رسانیدم . فرمایشات ملوکانه باین طور صادر شد که صورت آن در ذیل نوشته می‌شود ولی برای شارژ-دافر قرائت کردم و صورتی از آن خواست و نوشته برای او فرستادم و بجهت استحضار جناب شما هم عیناً قلمی میشود :

«اظهارات شما را بتفصیل بعرض خاکبای مبارک همایون شاهنشاهی رسانیدم فرمودند اولاً فقره رود کارون بخواهدش و میل انگلیس نشده است ، در این مسئله تفصیلی در روزنامه رسمی ایران که در طهران باسه میشود نوشته شده است که البته ملاحظه کرده یا خواهند کرد و بعلاوه اعلان رسمی بتمام سفارت‌خانه های دوله متحابه که سفرای آنها در پای تخت ایران توقف دارند نوشته‌ایم هیچ اسم اختصاصی دولت انگلیس در آنها ذکر نشده است محض رواج تجارت و حمل و نقل متاع و غلات ایران بخارج و آبادی ولایت چنین اعلامی و چنین اذنی بدخول و خروج کشتی های تجارثی بخاری و غیر بخاری جیب ملل روی زمین داده‌ایم . و همه کشتی تجارثی دارند چر پای انگلیس را بمیان می‌آورید ، شاید انگلیس هم از این اعلام خوشحال بشود . خوشحالی او یا بدحالی او دلیل نمیشود که ما از صرفه و صلاح و نفع و ضرر خودمان و آبادی ولایت ایران صرف نظر نمائیم و دست بروی دست گذارده حالت وحشی های یشگی دنیارا بهم برسانیم .

« روز بروز جمیع ممالک روی زمین در ترقی است ما چرا اسباب ترقی و آبادی مملکت خودمان را فراهم نیاوریم . چرا باید راه نسازیم و کارخانجات احداث نمائیم که از هر چیز محتاج بممالک خارجه باشیم . اگر تا حالا اقدام بساختن بعضی راهها کرده بودیم دو سال یکمرتبه سه سال یکمرتبه غلا و قحطی بعضی شهرهای ایران خاصه طهران را مستأصل و مردم آن را بریشان نیک کرد .

« جمیع دول روی زمین یا سلطنت مستقله هستند یا سلطنت مشروطه یا جمهوری ، در میان دول روی زمین پاره دولت‌ها بهم میرسند که خیلی کوچک میباشند ، همه در مملکت و ولایت و خاک و زمین و امور داخله خودشان مستقل و مختارند که هرقراری در داخله خودشان میل دارند و صرفه و صلاح خود را در آن می بینند میدهند . دولت ایران که از همه قدیمتر و همیشه سمت استقلال را داشته و دارد چرا باید باندازه يك دولت پست کوچک هم استقلال در داخله خود نداشته باشد . هر قراری را که مقرون بصرفه و صلاح و آبادی مملکت خود می بیند ندهد ؟

« وضع دولت ایران طوری شده است که هیچ دولتی باین حالت نیست . دولت ایران میان رقابت دولتین انگلیس و روس گیر کرده است . هرکاری منی بصرفه و صلاح و آبادی مملکت خودمان در جنوب ایران بخوایم از ساختن راه و سایر بکنیم دولت روس میگوید برای منافع انگلیس می‌کنید . چنانکه در مسئله رود کارون همین طور می‌گویند . راه هم بخوایم بسازیم همین طور می‌گویند . در شمال و مغرب و مشرق ایران اگر بخوایم چنین

کارها بکنیم انگلیس‌ها میگویند بملاحظه منافع روس اقدام باین کارها کرده و میکنند چنانکه در ساختن راه قوچان و راه آهنی که حاجی محمدحسن در کار ساختن در محمود آباد کنار بحر خزر است مکرر همین اظهارات را کرده‌اند. تکلیف ما مشکل شده است و روز بروز مشکل تر خواهد شد. پس یکمرتبه روس و انگلیس بیایند و بگویند دولت ایران دولت مستقل نیست هرچه ما بگوئیم باید آن‌طور بکنید. آیا در میان دول روی زمین از بزرگ و کوچک حتی بلغاری که تازه سری میان سرها بیرون آورده و صرب و یونان یک دولت هست که زیر بار این حرفها برود.

دولت خودمان را میخواهیم آباد کنیم، کارخانه بسازیم، قرارهای بصره و صلاح دولت و ملت خودمان بدهیم دولتین انگلیس و روس چه حقی دارند بکارهای داخله ما که این حرفها را بمیان بیاورند و این سؤالات را نمایند. کشتی‌های جنگی و تجارتي انگلیس سالیان دراز است که از بندرعباس و سواحل بلوچستان که بسته بسند است که آن سواحل کلا تعلق بایران دارد الی محمره همیشه در گشت و گذار است تا امروز چه خلافی از آنها ظهور کرده است که بعد از این در دخول و خروج یکی دوتا کشتی تجارتي در رود کارون ظهور نماید. کشتی‌های تجارتي جمیع ملل روی زمین و کشتی‌های روس هم گشت و گذار خواهد کرد. اگر خلافی از کشتی‌های انگلیس و سایر ظهور نماید چطور ممکن است مأمورین و حکام ایران بولیای دولت ما اطلاع ندهند و چطور ممکن است در مقام ممانعت بر نیائیم و ساکت بمانیم.

« هر پادشاهی مسؤل است که پی منافع و ترقی دوات و تربیت ملت و آبادی ولایت خودش برود اگر نکند خلاف مسؤلیت کرده و بتکلیف پادشاهی خود رفتار نکرده است، بنابراین مسئله را مکرر می‌کنیم رقابت روس و انگلیس طوری شده است که مثلا اگر بسمت شمال و مشرق و مغرب مملکت خودمان بنخواهیم بگردش و شکار برویم باید بادولت انگلیس مشورت بکنیم چون سمت سرحدات روس است شاید او خیالی بکند و بر نجد، و همچنین بسمت جنوب اگر میل بکنیم باید ازدولت روسیه مشورت بکنیم.

« شما تصور نکنید که هیچ دولتی در روی زمین از بزرگ و کوچک این حالت حالیه ما را دارد، آیا مایک دوات مستقله نیستیم که اختیار محوطه مملکت خودمان را داشته باشیم و بآزادی بتوانیم حرکت مصالح دولت خودمان را بنظر بیاوریم.

« البته ایران مستقل است و آنچه صلاح وقت مملکت و داخله خود را بداند بدون اینکه منتظر باشد ازدولت دیگری مشورت بکند، یا منتظر سؤال و گله آنها بشود البته باید بکند و اگر نکند خیانت بدولت و ملت خود کرده است.

« اظهاراتی هم که بجناب امین‌السلطان کرده بودند همه را بعرض رسانده بودند جواب آنها را در مجلس ثانوی بشما اظهار کرده بودند که حالت انتظاری برای شما باقی نمانده باشد، این بود که دیگر شما را زحمت نداده بودند.»

تمام این فقرات را برای استحضار آن جناب سامی نوشتم که مستحضر باشند. زیاده

زحمت است. فی ۴ شهر ربیع الاول ۱۳۰۶